

بازنگری در مجازات اعدام مواد مخدر

گروه مطالعات حقوق و امنیت ملی

اشاره:

در نیمه نخست بهمن ۹۴ طرح یک شورای «اصلاح مجازات اعدام از قانون مبارزه با مواد مخدر» در قالب یک ماده واحده از سوی ۲۱ تن از نمایندگان مجلس به امضا رسید که بر پایه آن «مجازات اعدام از قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۶۷/۸/۳، مجمع تشخیص مصلحت نظام و اصلاحات بعدی آن جز در موارد قاچاق مسلحانه تبدیل به حبس ابد می‌گردد». این طرح نه تنها آغاز تأثیر گذاری مجلس شورای اسلامی درباره مواد مخدر پس از دو دهه قانون گذاری توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام است بلکه آغاز بر محدودیت اعدام‌های مرتبط با مواد مخدر در نظام قضایی ایران نیز به شمار می‌رود که هم از سوی دستگاه قضایی به طور ضمنی چنین رویکردی پذیرفته شده است و هم از جهت بین‌المللی، کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد به آن روی کرده است. چالش اصلی طرح، نگاهی سطحی و تک جمله‌ای به موضوعی بسیار تأثیر گذار و چندبعدی است.

مقدمه

خشن و گسترده مانند اسیدپاشی که اصل برابری جان‌ها پیش می‌آید، پذیرفتنی است ولی در بزه‌های مالی و اقتصادی مانند جرایم اقتصادی، فسادهای کلان و بزه‌های مرتبط با مواد مخدر انتقاداتی به آن صورت می‌گیرد. پیامدهای منفی اعدام خود بسیار گفته شده و از جهت وضعیت ناروای محکوم پیش از اعدام، وضعیت بسیار شکننده خانواده و نزدیکان محکوم به اعدام، نابرابری در اجرای اعدام و گریختن بسیاری از محکومان یا متهمان دارای ثروت و مقام از این کیفر و رویکرد سیاسی پررنگ در اعدام (چندانکه از گذشته، دولت‌ها در آستانه تهدید بیرونی یا در زمان جنگ مانند بابل باستان و آشوریان به اعدام شهروندان بزهکار روی می‌آوردند و دولت‌های مانند سومر که تهدید و دشمن‌هراسی در آنها نیرومند نبوده از اعدام حتی در قتل عمد دوری می‌کردند و این داستان در همه دوره‌های تاریخی تاکنون دنباله داشته است؛ به گونه‌ای که جامعه امن اعدام را می‌زداید و جامعه ناامن و در هراس از دیگران، اعدام را می‌ستاید.)، از خرده‌های کیفر اعدام‌اند.

کیفر اعدام برای بزه‌های پیونددار با مواد مخدر در ایران یک پدیده چالش‌برانگیز به شمار می‌رود. ایران بیشتر از هر کشور دیگری درباره مواد مخدر سخت‌گیری کرده است ولی بیشتر از هر کشور دیگری با اعتیاد و بزه‌های مواد مخدر درگیر بوده است؛ چندانکه در

بسیاری از کارشناسان معتقدند اعدام یکی از ناکارآمدترین کیفرهای انجام شده از سوی دولت‌ها است. این کیفر در درازای تاریخ برای از میان برداشتن عنصرهای ضدجامعه و ضدنظم به کار گرفته می‌شده و در مواردی بیشتر از آنکه چهره کیفر داشته باشد، سیاست اعمال نیرو از سوی دولت بوده است. منتقدان بر این باورند اعدام در نظام قضایی ایران نیز از این گزاره دور نبوده است و پیش از آنکه هدف‌های منطقی کیفر بر مبنای رویکردی محکوم محور، بزه‌دیده محور و جامعه‌محور داشته باشد، بیشتر به سمت اعمال نیروی دولتی رفته و به عنوان نمادی از خشونت و قاطعیت در اجرای قانون یاد شده است.

کاستی‌ها و چالش‌های کیفر اعدام در همه بزه‌ها یکسان نیست. کیفر اعدام برای برخی بزه‌ها مانند قتل‌های با قصد پیشین، اقدام‌های تروریستی، تجاوز جنسی و آسیب‌های بدنی

قانونی بر اعدام

درباره مواد مخدر قانون‌های بسیاری تصویب شده که از سال ۱۳۱۲ و با قانون مرتکبین قاچاق کالا آغاز شده و به قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۶۷ و اصلاحیه‌های آن انجامیده است. قانون مبارزه با مواد مخدر در سال ۱۳۶۷ به عنوان سرآغاز سختگیری بیش از اندازه نسبت به بزه‌های مواد مخدر و دلگرمی خوش‌بینانه به بازدارندگی کیفر اعدام دانسته می‌شود. این قانون دو ویژگی بنیادین دارد: نخست اینکه پدیدآورنده آن به طور مستقیم، مجمع تشخیص مصلحت نظام بوده است که این نهاد در همان سال تصویب قانون، بنیاد نهاد شد و هنوز جایی در قانون اساسی نیافته بود. روشن است که این نهاد پیشینه قانونگذاری مستقیم نداشت. این ناپختگی در قانونگذاری خود سرآغاز قانونی پرچالش درباره مواد مخدر و روانگردان شد. دوم آنکه قانون مبارزه با مواد مخدر همزمان با برخی قانون‌های سخت‌گیرانه دیگر در حوزه‌های مالی و اقتصادی تصویب شد که برآمده از وضعیت جنگ ایران و عراق بود. به درازا کشیدن جنگ و فرسایشی شدن آن، زمینه را برای بهره‌گیری ناروای برخی شهروندان از شرایط جنگی و انجام بزه‌های مالی و قاچاق فراهم کرده بود. در آن زمان، سخت‌گیری قانون‌گذار بر پایه واکنشی غریزی به پیامدهای منفی جنگ در امور داخلی به ویژه امور مالی و اقتصادی بود. از این رو قانون مبارزه با قاچاق مواد مخدر دنباله سخت‌گیری قانون‌گذار در حوزه‌های دیگر بود ولی این سختگیری در مواد مخدر بسیار بیشتر شد به گونه‌ای که پایه‌گذار یکی از شدیدترین قانون‌های کیفری در پیشینه قانونگذاری در ایران شد. روشن است که

سال ۹۳ تنها یک میلیون تن از شهروندان ایرانی با پرونده‌های مواد مخدر درگیر شده و سیصد هزار تن، بازداشت موقت را آزمودند. با آنکه پرونده‌های مواد مخدر خود بخش بزرگی از دستگاه قضایی را درگیر کرده ولی در این میان، افزایش هر ساله کیفر اعدام، چالشی بزرگ در کارآیی این کیفر پدید آورده است.

وضعیت اعدام در ایران

در کشورمان آمار رسمی درباره شمار اعدام وجود ندارد و تنها می‌توان از رهگذر گزارش نهادهای بین‌المللی از نرخ اعدام آگاهی یافت که به جهت رسمی نبودن نیز چندان قابل اعتماد نیستند و سوگیری‌های سیاسی در آن زیاد است. براساس استنادات گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور حقوق بشر ایران در سال ۹۴، شمار اعدام‌ها در ایران افزایش یافته و سرانه اعدام در ایران از هر کشور دیگری بالاتر است. گزارشگر ویژه حقوق بشر ایران مدعی است که در هفت ماه ابتدای سال ۲۰۱۵، دست کم ۶۹۴ تن در ایران اعدام شده‌اند و دست کم ۳۳ مورد اعدام در ملاءعام اجرا شده است. در این گزارش اعلام شده که دست کم ۶۹ درصد اعدام‌ها در نیمه نخست سال ۲۰۱۵ به مواد مخدر مربوط بوده است.

به گزارش عفو بین‌الملل، ایران در سال ۲۰۱۵ بیشترین اعدام را در میان همه سال‌های اجرای اعدام در زمینه مواد مخدر داشته است. به استثنای نرخ اعدام در چین، ۸۹ درصد اعدام‌های انجام یافته در جهان در سال ۲۰۱۵، از سوی سه کشور ایران، پاکستان و عربستان سعودی بوده است که به نوبت بیش از ۹۷۷، ۳۲۶ و بیش از ۱۵۸ تن بوده است و ایران بدون در نظر گرفتن چین، بیش از همه کشورهای جهان، به این کیفر روی آورده است. از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۵، ایران همواره پس از چین رتبه دوم را در فراوانی اعدام داشته و به نسبت جمعیت همواره در رتبه نخست بوده است. بیش از هفتاد درصد همه اعدام‌های انجام شده در پیوند با مواد مخدر بوده است.

این اندازه از اعدام شاید برای نظام قضایی ایران چه از نظر داخلی و چه در رویکرد جهانی بسیار غیرعادی و چالش‌برانگیز شده است. با این حال اعدام خود معلول است و علت آن قانون مبارزه با مواد مخدر ۱۳۷۶ است که هم از جهت مرجع وضع و درون‌مایه قانون و هم به لحاظ دادگاه اجراکننده و پیامدهای کیفرهای پیش‌بینی شده در آن، چالش‌برانگیزترین و خشن‌ترین قانون اجرا شده در ایران به شمار می‌رود.



سوم، بیش از بیست کیلوگرم تا یکصد کیلوگرم برای بار دوم و بیش از یکصد کیلوگرم برای بار دوم. (ماده ۵)، وارد کردن و یا مبادرت به ساخت، تولید، توزیع، صدور، ارسال، خرید یا فروش و یا در معرض فروش قرار دادن و یا نگهداری، مخفی یا حمل هروئین، مرفین، کوکائین و دیگر مشتقات شیمیایی مرفین و کوکائین و یا لیزرژیک اسید دی اتیل آمید (ال.اس.دی)، متیلن دی اکسی مت آمفتامین (ام.دی.ام.آ. یا آکستاسی)، گاما هیدروکسی بوتیریک اسید (جی.اچ.بی)، فلونیتراپام، آمفتامین، مت آمفتامین (شیشه) و یا دیگر مواد مخدر یا روان گردان‌های صنعتی غیر دارویی که فهرست آنها به تصویب مجلس شورای اسلامی می‌رسد بیش از سی گرم. (ماده ۸) تکرار جرایم موضوع ماده ۸ که مجموع آنها به سی گرم برسد. (ماده ۹)، قاچاق مسلحانه مواد مخدر (ماده ۱۱) مجازات سر کرده یا شبکه مخصوص اجیر کردن اشخاص یا به خدمت گماردن یا سازماندهی و یا مدیریت فعالیت آنها و پشتیبانی مالی از فعالیت‌های آنان یا سرمایه‌گذاری در این زمینه برای ارتکاب جرایم مرتبط با مواد مخدر و نیز اعدام در جایی که مجازات جرم اصلی حبس ابد باشد (ماده ۱۸ اصلاحی سال ۸۹) و ادار کردن اطفال و نوجوانان کمتر از هجده سال تمام هجری شمسی و افراد محجور عقلی یا اجبار در تزریق مواد که مرتکب در مورد حبس ابد به اعدام محکوم می‌شود. (ماده ۳۵ اصلاحی سال ۸۹)

اعتبار قانونی و شرعی اعدام در بزه‌های مواد مخدر

در یک نگاه، به جهت بی‌اعتباری اعدام تعزیری هم از جهت قانونی و هم از جهت شرعی، می‌توان گفت نیازی به طرح جایگزینی کیفر اعدام با کیفر زندان ابد نیست. از جهت قانونی، کیفرهای اصلی بر چهار دسته اند: حد، قصاص، دیه و تعزیر. اعدام در دیه و تعزیر راه ندارد. دیه که خون‌بهای جنایت است، حکم ضمان مالی را دارد. تعزیر مجازاتی است که مشمول عنوان حد، قصاص یا دیه نیست و به موجب قانون در موارد ارتکاب محرمات شرعی یا نقض مقررات حکومتی تعیین و اعمال می‌گردد. از آنجا که کیفرهای تعزیری به هشت درجه دسته‌بندی شده‌اند، اعدام در درجه نخست که سنگین‌ترین درجه است، پیش‌بینی نشده است. طبق ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، کیفرهای تعزیری درجه یک در بردارنده حبس بیش از بیست و پنج سال، جزای نقدی بیش از یک میلیارد (۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال)، مصادره کل اموال و انحلال شخص حقوقی است و دیگر درجه‌ها به نوبت خفیف‌تر می‌شوند. در درجه یک حبس بیش از ۲۵ سال،

برخی قانون‌گذاری‌های کیفری در زمان جنگ برای زمان صلح مناسب نبوده یا دست‌کم سازگاری دقیق ندارد. قانون سال ۱۳۶۷ در آبان ۱۳۷۶ اصلاح شد ولی از سخت‌گیری آن کاسته نشد و حتی در این قانون و نیز اصلاح‌های سال‌های پسین در ۱۳۸۷ و ۱۳۸۹ بر سخت‌گیری آن افزوده شد. به سخن دیگر در همه این سال‌ها، مجمع تشخیص از خشونت قانون نکاست ولی خود به ناکامی آن گردن نهاده بود؛ زیرا در اصلاحیه ۱۳۸۹ به مجلس اجازه داد تا اگر لازم دانست از این پس، اصلاحیه‌های بعدی را پایه‌گذاری کند. از همین دریچه بود که نمایندگان مجلس اندیشیدند از این پس اصلاحیه‌های قانون مبارزه با مواد مخدر را از مجمع به مجلس بکشانند.

هم اکنون قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر ۱۳۷۶/۸/۱۷ و اصلاح‌های پسینی به عنوان افزار قانونی در رویارویی با مواد مخدر و روانگردان به شمار می‌رود. برجسته‌ترین رفتارهایی که در این قانون برای آنها اعدام پیش‌بینی شده است؛ عبارتند از: تکرار کشت خشکاش یا کوکائین یا به طور مطلق کشت شاهدانه برای تولید مواد مخدر برای بار چهارم (ماده ۲)، وارد یا صادر کردن یا مبادرت به تولید، ساخت، توزیع یا فروش یا در معرض فروش قرار دادن بنگ، چرس، گراس، تریاک، شیره سوخته، تفاله تریاک و یا دیگر مواد مخدر یا روان گردان‌های صنعتی غیر دارویی که فهرست آنها به تصویب مجلس شورای اسلامی می‌رسد به اندازه‌ای بیش از پنج کیلوگرم. (ماده ۴) خرید، نگهداری، مخفی کردن یا حمل تریاک و دیگر مواد موضوع ماده ۴ به اندازه‌ای بیش از پنج کیلوگرم تا بیست کیلوگرم برای بار

حبس ابد را هم در بر می‌گیرد ولی چنانکه روشن است، اعدام به عنوان سنگین‌ترین کیفر در درجه‌بندی تعزیر جایگاهی ندارد و از این رو گزاره‌های عمومی بزه‌ها و کیفرها که بر پایه درجه‌بندی‌اند بر اعدام بار نمی‌شوند مگر در موردهایی که خود قانونگذار بگوید.

ولی دو کیفر اصلی دیگر یعنی قصاص و دیه، اعدام را هم در بر می‌گیرند. قصاص بر دو گونه قصاص جان و قصاص اندام است که قصاص جان برای قتل عمد همان اعدام در مفهوم کلی است هرچند از جهت حق خصوصی بودن، قابل گذشت بودن و یا تبدیل‌پذیری به دیه، از مفهوم اصلی اعدام جداست؛ با این حال در مفهوم عام اعدام به معنای گرفتن جان محکوم، قصاص در زیر اعدام جای می‌گیرد.

حد مجازاتی است که موجب، نوع، میزان و کیفیت اجرای آن در شرع مقدس، تعیین شده است. حد اعدام برای بغی، افساد فی الارض، محاربه، ساب النبی، برخی از بزه‌های جنسی و تکرار حدود غیر اعدامی برای چهارمین بار پیش‌بینی شده است. بدین حال بر پایه قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، اعدام تنها در دو قالب شدنی است یکی قصاص که برای قتل عمد و دیگری حد که برای بزه‌های معین و شمرده شده در قانون و شرع است. بزه‌های مرتبط با مواد مخدر از جهت ماهیت رفتاری تنها با دو حد سازگار خواهند بود؛ یکی محاربه و آن حالتی است که مرتکب با کشیدن سلاح به قصد جان، مال یا ناموس مردم یا ارباب آنها برآید، به نحوی که موجب ناامنی در محیط گردد. قاچاق‌ها یا ترابری‌های بزرگ بیشتر با جنگ افزار انجام می‌شود؛ از این رو بیشتر آنها می‌تواند با محاربه همراه گردد. دومی افساد فی الارض و آن ارتکاب به‌طور گسترده جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، نشر اکاذیب، اختلال در نظام اقتصادی کشور، احراق و تخریب، پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک یا دایر کردن مراکز فساد و فحشا یا معاونت در آنها است به گونه‌ای که موجب اختلال شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی، یا سبب اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع گردد. قاچاق‌ها و ترابری‌های کلان یا تولیدهای گسترده می‌تواند بر حسب مورد علیه تمامیت جسمانی افراد باشد و یا اختلال در نظام اقتصادی کشور را به همراه داشته باشد. در اینجا اگر هم رفتار و هم پیامد گسترده باشد به گونه‌ای که افساد فی الارض را نمود دهد، بزه مرتبط با مواد مخدر در قالب حد افساد فی الارض جای می‌گیرد.

از جهت شرعی و فقهی نیز گزاره «تعزیر باید دون حد باشد.

(التعزیر دون الحد)» نشان می‌دهد که هیچ بزه تعزیری نباید به اعدام پاسخ داده شود. ناهمسانی حد و تعزیر از این جهت است که شارع خود سنگین‌ترین کیفرها را فراهم کرده و تعزیر که به دست فرمانروای اسلامی نهاده شده است باید کمتر از حد تعیین شوند. اعدام بالاترین اندازه از سنگینی کیفر در میان حدها است و هیچ بزه تعزیری نباید با این اندازه و نیز دیگر اندازه‌های حدی همسانی داشته باشد. در متون فقهی نیز اعدام برای هیچ بزه تعزیری پیش‌بینی نشده است مگر اینکه از حد پیش‌بینی شده باشد. از آنجا که بزه‌های پیونددار با مواد مخدر و روانگردان از آورده‌های جهان امروزین است و در پیکره تعزیری می‌گنجند، اگر با اعدام تعزیری پاسخ داده شوند، با شرع سازگاری نخواهد داشت. جدا از این، اجرای اعدام برای مواد مخدر از سوی دولت اسلامی هنگامی است که باب‌های دیگر فقه از جهت رفاه مالی و پیشه‌ای مسلمان فراهم شده باشد و اعمال اعدام در بستری که مشکل‌های اقتصادی و اجتماعی فراوان بر سر راه شهروندان است، با ساختار منطقی فقه همخوانی ندارد.

بدین حال طبق قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ به عنوان واپسین خواست قانونگذار در ضابطه‌مندی کیفرها و نیز بر پایه منبع‌های فقهی، اعدام جدا از حد و قصاص جان جایگاهی ندارد و چنانکه گفته شد، بزه‌های مرتبط با مواد مخدر و روانگردان تنها اگر با محاربه یا افساد فی الارض همخوانی داشته باشند، با اعدام پاسخ داده می‌شوند و دیگر اعدام‌ها، اعتبار قانونی و شرعی ندارند. با این حال رویه قضایی راه دیگری رفته و دادرسان این طور پنداشته است که قانون مبارزه با مواد

طرحی نارسا

در نیمه نخست بهمن ۹۴ طرح یک شوری «اصلاح مجازات اعدام از قانون مبارزه با مواد مخدر» در پیکره یک ماده واحده از سوی ۲۱ تن از نمایندگان مجلس به امضا رسید که بر پایه آن «مجازات اعدام از قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۶۷/۸/۳، مجمع تشخیص مصلحت نظام و اصلاحات بعدی آن جز در موارد قاچاق مسلحانه تبدیل به حبس ابد می‌گردد.» طبق تبصره این ماده واحده «محکومان به اعدام که منتظر اجرای حکم هستند نیز مشمول این قانون می‌گردند.» طرح بالا به همین دو جمله بسنده کرده در حالی که برای کنار گذاشتن اعدام و سپس نهادینه کردن حبس ابد باید سازوکاری اندیشیده شود. نخست اینکه گمانی نیست اعدام محکومان به مواد مخدر به ویژه اگر آشکارا انجام شود، بازدارندگی نداشته و گاه فرهنگ بی‌باکی و خشونت را نیز فراهم می‌سازد. ولی باید دانست که پناه بردن از اعدام به زندان ابد تا هنگامی که سازوکار بخردانه‌ای نداشته باشد، افتادن از چاهی به چاه دیگر است. بررسی‌های پراکنده نشان می‌دهد که هر چند در قانون مبارزه با مواد مخدر، حبس ابد به اندازه اعدام رسمیت نداشته است ولی دادرسان در کار، به حبس ابد بیشتر روی آورده‌اند و شمار محکومان به ابد کمتر از اعدام‌ها نبوده است؛ چندانکه در سال ۹۳ شمار محکومان قطعی به اعدام در استان تهران نزدیک به دو هزار تن بوده که به همین اندازه نیز محکوم به زندان ابد بوده است. از جهت وضعیت محکوم و خانواده‌های آنان، جدایی روشنی میان این دو دسته از محکومان نیست و محکومان به زندان ابد تنها امید به بخشایش دارند ولی از سوی دیگر زندان برای آنها زندگی و شخصیتی نمی‌گذارد و به سخن دیگر این دسته از محکومان اگر هم به اعدام نایب نشوند و از حبس ابد نیز رهایی یابند؛ چون سالهای دراز به زندان خو گرفته‌اند از دید جامعه و زندگی اجتماعی نایب شده به شمار می‌آیند. پس نمی‌توان حبس ابد را درمان درد اعدام دانست که افزون بر آن یکی از چالش‌های بنیادین کنونی همین محکومان به زندان ابد هستند که از جهت‌های اقتصادی، اجتماعی و خانوادگی وضعیتی بهتر از محکومان به اعدام ندارند. همچنین حبس ابد چون در قانون مبارزه با مواد مخدر بیشتر در پیکره جانشین اعدام است، از نهادهای کیفری مانند آزادی مشروط یا تعلیق اجرا که مساعد به حال محکوم است، جدا بوده یا دست کم قانون‌های کیفری در این زمینه مقرر ندارند؛ هر چند در رفتار، دادرسان گاه به طور رویه‌ای و با نگاه قانون‌های پیش از انقلاب دستور به آزادی مشروط می‌دهند. شاید تنها دریچه‌هایی محکومان به اعدام و حبس ابد برای وضعیت بهتر،

مخدر ۱۳۶۷ و اصلاح‌های پسینی، متعلق به مجمع تشخیص مصلحت است و قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ که مصوب مجلس است آن را ضابطه‌مند نمی‌کند؛ جدا از این اعدام‌های پیش‌بینی شده در قانون مبارزه با مواد مخدر از باب حد افساد فی الارض توجیه شده است؛ در حالی که هر دو دیدگاه ناروا است. با تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ از سوی مرجع عام و شایسته برای قانون‌گذاری، دیگر قانون‌های کیفری همگی باید با آن ضابطه‌مند شوند و قانون مبارزه با مواد مخدر نیز این چنین است. دیگر آنکه حد افساد فی الارض هر چند از جهت استقلال و ویژگی‌ها در متن‌های فقهی پوشیده و بر سر آن اختلاف دیدگاه هست ولی دادرس با قانونی شدن حد افساد فی الارض در ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، دیگر اجازه پرداختن به متن‌های فقهی ندارد و افساد فی الارض را تنها باید بر پایه قانون بسنجد. روشن است که اگر دادرسان بر پایه قانون و شرع رفتار می‌کردند نباید از سال ۱۳۹۲ مگر در موردهای ویژه که بزه مرتبط با مواد مخدر با حد محاربه یا حد افساد فی الارض سازگار است، به اعدام حکم دهند. تنها چالش در اینجا این بود که حال که دادرس اعدام را کنار می‌گذارد باید از چه کیفری بهره بگیرد که باید گفت خودبخود دادرس باید سراغ سنگین‌ترین کیفر پیش‌بینی شده در درجه‌های تعزیری یعنی حبس تعزیری درجه یک که حبس ابد را هم در بر می‌گرفت، می‌رفت. شوه بایسته‌ای که دادرسان از آن بهره نبردند تا شمار اعدام‌های توجیه‌ناپذیر کاهش یابد. همین امر خود سبب کوشش نمایندگان مجلس شورای اسلامی در پیشنهاد طرح جایگزینی اعدام با حبس ابد شد.

عفو مقام معظم رهبری است که چون در بیشتر موردها بزه‌های مرتبط با مواد مخدر از پیشنهاد رئیس قوه قضائیه برای مقام معظم رهبری جهت عفو، کنار گذاشته می‌شوند، نیز برای این دو کیفر شمولیت ندارد.

دوم اینکه گردآورندگان طرح باید آگاهی بایسته از قانون‌های کیفری کنونی می‌داشتند تا این طرح را با دو جمله به پایان نرسانند و بر پایه ساختار شایسته درمی‌چیدند. طرح با توجه کوتاهی همراه بوده که بیشتر بر خانواده محکوم به اعدام پافشاری می‌کند گویی در حبس ابد چنین وضعیتی نیست. همچنین دیگر بایستگی‌ها مانند ناآگاهی مرتکبان از قانون یا فقر مالی آنها به عنوان انگیزه پرداختن به بزه‌های مواد مخدر، در تبدیل اعدام به حبس ابد برطرف نمی‌شود. بدین حال توجه طرح نه برای عنوان طرح یعنی جایگزینی اعدام که برای مرتکب بزه‌های مواد مخدر است؛ جدا از اینکه کیفرش چه باشد. حتی عنوان قانون یعنی «اصلاح مجازات اعدام از قانون مبارزه با مواد مخدر» نیز به ناروا به کار رفته است؛ زیرا ماده واحده در پی اصلاح اعدام نیست بلکه آهنگ تبدیل یا لغو اعدام را دارد.

از سوی دیگر، در خود قانون مبارزه با مواد مخدر، اعدام، کیفری است که اجرای آن در برخی موردها، پیرو شرط‌هایی است؛ برای نمونه در برخی مقرره‌های این قانون، با شرط‌هایی اعدام به حبس ابد تبدیل می‌شود. در برخی حالت‌ها اعدام از باب افساد فی الارض اجرا می‌شود و نیز در برخی وضعیت‌ها اعدام و حبس ابد بر حسب مورد با در نگاه داشتن سنگینی رفتار و دیگر ویژگی‌های آن تعیین می‌شود. بزه‌های پیرامونی مواد مخدر نیز در بیشتر موردها بر مبنای اعدام در چیده شده‌اند. بنابراین باید کل قانون از این جهت اصلاح شود که شاید مجلس شورای اسلامی نخواسته در گام نخست به این اندازه در مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام دست برد ولی چاره‌ای جز اینکه به طور بخردانه و نظام‌مند قانون را اصلاح کند، ندارد. به سخن دیگر هرچند طرح مجلس گام برجسته‌ای برای یک چالش بزرگ است ولی کوچکی طرح و بزرگی چالش، همخوانی ندارند و دست کم در اجرا، به اندازه گام بلند برداشتن اعدام، گام بلندی نیز از جهت بحران‌سازی اجرای حبس ابد بر می‌دارد.

بزه‌های مواد مخدر هنگامی تعیین می‌شود که مصداق حد باشد. در غیر این صورت به جای اعدام، مرتکب به حبس تعزیری درجه یک (حبس بیش از بیست پنج سال) محکوم می‌شود. این راه، معیاری پیش پای دادرسی می‌نهد که همه دادرسی خود را از دید قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ بررسی کند.

راه دوم یا راه میانه اصلاح کلیه کیفرهای اعدام موضوع قانون مبارزه با مواد مخدر و سپس بهره‌گیری از حبس ابد یا حبس تعزیری درجه یک بر حسب مورد و ضابطه‌مندی همه مقررهای قانون بر همین پایه است. از این رو باید بخشی از مواد قانون در طرح اصلاحی گنجانده شود.

راه سوم، اصلاح راستین قانون مبارزه با مواد مخدر است و آن اینکه هم اعدام و هم حبس ابد کنار گذاشته شوند و کیفر اعدام تنها در چهارچوب حد اجرا شود و کیفر حبس ابد نیز در پیکره حبس تعزیری درجه یک پیش‌بینی شود. در کنار این مورد باید بر پیشگیری و فرهنگ‌سازی به جای تدبیرهای کیفری پافشاری شود و برجسته‌ترین آنها آزادسازی دولتی تریاک و مواد مخدر کم‌زیان است تا تنها از نهادهای مجاز و قانونی دریافت شوند. هیچ راهی برای فرهنگ بحرانی بهره‌گیری از مواد مخدر نیست مگر اینکه بخشی کم‌زیان از مواد مخدر با سازوکاری کارشناسی شده و ضابطه‌مند برای شهروندان آزاد شود.

نتیجه‌گیری

برای مجلس شورای اسلامی سه راه گوناگون برای اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر و کنار گذاشتن اعدام هست. راه نخست یا راه کوتاه و معیاری این است که در طرح مجلس آورده شود: اعدام در

